

دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی مردم جنگل نشین در استفاده از برخی محصولات غیرچوبی قابل رویش در جنگل (مطالعه‌ی موردی روستای چیتن)

محمد عواطفی همت^(۱)

دکتر تقی شامخی^(۲) *

تاریخ دریافت: ۸۴/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱/۳۰

چکیده

این مطالعه به بررسی انواع محصولات غیرچوبی جنگل، مورد استفاده‌ی روستاییان جنگل نشین روستای چیتن از توابع بخش کجور استان مازندران پرداخته است، روش پژوهش در این مطالعه، روش تحقیق مردم‌نگاری به همراه اسکان در محل تحقیق، مشاهده‌ی اعمال مردم در

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جنگلداری، دانشکده‌ی منابع طبیعی دانشگاه تهران

Email: m.avatefi@gmail.com

۲- دانشیار گروه جنگلداری دانشکده‌ی منابع طبیعی دانشگاه تهران

* و با تشکر از آقای دکتر مرتضی فرهادی، استاد گروه مطالعات فرهنگی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و آقای دکتر وحید اعتماد، استادیار گروه جنگلداری دانشکده‌ی منابع طبیعی دانشگاه تهران، که از مشاوره و راهنمایی‌های بی‌دریغشان در این مقاله و در پایان‌نامه سود وافر برده‌ایم.

حین کارهای مختلف، مشارکت با آنها و استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و ساختار نیافته است. محصولات غیرچربی جنگل با هدف جمع‌آوری در قالب دو طبقه‌ی محصولات جمع‌آوری شده برای مصرف خانوار و محصولات جمع‌آوری شده برای فروش در بازار تفکیک شد، و سپس هر کدام از طبقات در قالب استفاده‌های خوراکی، دارویی و زینتی طبقه‌بندی، به ذکر گونه‌های مهم گیاه هر طبقه پرداخته شد، و در جدولی با ذکر برخی مشخصات گونه‌های مورد استفاده روستاییان شامل نام محلی، نام فارسی، نام علمی، محل رویش، زمان جمع‌آوری، اعضای مورد استفاده و نوع استفاده آورده شده است. همچنین فرآیند جمع‌آوری گونه‌ی اکلیل کوهی (*rosmarinus officinalis*) با جزئیات بیش‌تری تشریح و انواع روابط اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیک حاصل از آن بیان گردیده است. از محصولات غیرچربی خوراکی، برای استفاده در خانوار، و بیش‌تر برای فروش در بازار و کسب درآمد اقتصادی بهره‌گیری می‌شود. همچنین نقش زنان روستایی و سازمان کار روستاییان در جمع کردن و فرآوری محصولات غیر چوبی دارای اهمیت بسیار است.

واژه‌های کلیدی: محصولات غیرچوبی قابل رویش در جنگل، دانش بومی، تحقیق کیفی، خودیاری، روستای چیتن

مقدمه و هدف

جنگل‌های شمال کشور با مساحت ۹/۱ میلیون هکتار در کرانه‌های جنوبی دریای خزر و دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های البرز به طور عمده در استان‌های گیلان، مازندران و گلستان گسترده شده است. به طور خلاصه می‌توان این جنگل‌ها را به سه دسته‌ی زیر تقسیم کرد:

الف) جنگل‌های پایین‌بند: جنگل‌هایی که از سطح جلگه‌های کناره‌ی دریای خزر تا ارتفاع ۷۰۰ متری از سطح دریا پراکنده است.

ب) جنگل‌های میان‌بند: جنگل‌هایی که از ارتفاع ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

ج) جنگل‌های بالابند: جنگل‌هایی که در ارتفاع ۱۲۰۰ متری تا ارتفاع ۲۵۰۰ متری در مرز فوقانی جنگل‌های شمال پراکنده شده است.

در حال حاضر هدف عمده‌ی مدیریت در این جنگل‌ها تولید چوب برای صنایع وابسته است (شامخی، ۱۳۷۲: ۸۰). برای رسیدن به این هدف به جنگل‌های میان‌بند و پایین‌بند که شرایط اکولوژیک مساعدتر و پتانسیل تولید چوب بیش‌تری نسبت به جنگل‌های بالابند دارد، توجه بیش‌تری می‌شود. جنگل‌های بالابند غالباً به دلیل ارتفاع بیش‌تر از سطح دریا دارای دوره‌ی رویش گیاهی کوتاه‌تر و به دلیل فاصله‌ی بیش‌تر از دریای خزر دارای بارندگی کم‌تر است، و در کل، شرایط اکولوژیکی نامساعدتر و سخت‌تری نسبت به جنگل‌های ارتفاعات کم‌تر دارد (رجامند، ۱۳۷۹).

خدمات و تولیدات جنگل را می‌توان به دو دسته‌ی عمده تقسیم کرد:

- ۱- تولید اصلی جنگل: شامل چوب و هیزم و زغال حاصل از درختان جنگلی، و
- ۲- تولیدات فرعی جنگل که بسیار متنوع است، ولی برخی از آن‌ها قابل عرضه در بازار نیست ولی همانند جنگل‌ها، در جلوگیری از وقوع سیلاب و ذخیره‌ی آب، کنترل فرسایش خاک‌ها، ایجاد چشم‌اندازها و منظره‌های جالب برای تفریح انسان‌ها، تولید اکسیژن و جذب دی‌اکسید کربن و ذرات غبار معلق در هوا نقشی برجسته دارد، ولی برخی دیگر دارای قابلیت عرضه در بازار اقتصادی و تبدیل شدن به ارزش پولی می‌باشد، از جمله، محصولات غیر چوبی قابل عرضه در بازار می‌توان به موارد دامداری در جنگل، شکار جانوران وحشی، و محصولات گیاهی قابل رویش در جنگل همانند گل، میوه، ساقه و برگ بسیاری از گونه‌های علفی و چوبی اشاره کرد (مک مانوس و وایت، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۸؛ کوشه، ۱۳۷۱: ۲۸).

بنابر اطلاعات موجود، در کل جنگل‌های شمال حدود ۴۰۰۰ روستا پراکنده است (شامخی، ۱۳۷۲: ۸۱). مردمان ساکن در بسیاری از این روستاها هنوز خیلی از احتیاجات خود را از جنگل تأمین می‌نمایند، به گونه‌ای که در کنار تولید اصلی جنگل‌های شمال کشور که در حال حاضر چوب درختان جنگلی است و به طور عمده

توسط مجریان طرح‌های جنگلداری برای مصرف در صنایع وابسته و توسط مردم جنگل نشین برای ساخت وسایل مورد نیاز، سرپناه و هیزم مورد استفاده قرار می‌گیرد، محصولات دیگری نیز توسط جنگل نشینان به طور مستقیم از اکوسیستم جنگلی برداشت می‌شود که عمدتاً عناصر گیاهی اکوسیستم می‌باشد. برخی از این محصولات همانند گل و میوه از درختان و بعضی از سایر رویدنی‌های موجود در اکوسیستم جنگل همانند علف‌های یک ساله و چند ساله‌ی قابل رویش در کف جنگل یا روی تنه‌های در حال پوسیدن درختان جنگلی تهیه می‌شود. استفاده از میوه‌های جنگلی و جمع‌آوری گیاهان، تاریخی کهن‌تر از دامپروری و کشاورزی دارد و انسان در ابتدا با جمع‌آوری گیاهان و میوه‌های جنگلی ارتزاق می‌نموده است (روح الامینی، ۱۳۸۲: ۲۸). هر چند پیشرفت انسان در ابزار سازی و یادگیری فن‌آوری‌های جدید به او فرصت داد تا به دامداری و کشاورزی مبادرت نماید، اما به استفاده از میوه‌ها و گیاهان خودرو در محیط نیز ادامه داد. از طرفی با گذشت سال‌ها و پیشرفت تمدن، انسان توانست تجربیات گرانبایی از خواص گونه‌های گیاهی مختلف، مکان رویش، نحوه و زمان جمع‌آوری و فرآوری آن‌ها را بیاموزد و به نسل‌های پس از خود انتقال دهد.

آن‌چه در این مورد اهمیت دارد، دانش و اطلاعات روستاییان از خواص خوراکی و دارویی، مکان و فصل رویش و نحوه‌ی جمع‌آوری و فرآوری طیف وسیعی از گونه‌ها است. این دانش‌ها و فن‌آوری‌ها حاصل قرن‌ها تجربه و همزیستی مردم بومی با طبیعت دربرگیرنده‌ی آن‌ها است که البته در سال‌های اخیر به سرعت در حال فراموشی و فرسایش است به گونه‌ای که با مرگ هر پیرمرد یا پیرزن روستایی قسمت عظیمی از این گنجینه‌ی گرانبها به فراموشی سپرده می‌شود (فرهادی، ۱۳۸۰: ۸۷). علاوه بر آن ترویج الگوهای نامناسب تولید و مصرف به شیوه‌ی صنعتی است که به تخریب بسترهای حیاتی و کاهش تنوع زیستی و مهاجرت ساکنان محیط‌های تولیدی به شهرهای کوچک و بزرگ و حاشیه نشینی می‌انجامد. از این رو، شناخت تعاملات رفتاری مردمان بومی در عرصه‌های زیستی و دستیابی به دانش‌های نظام مند پیشینیان و جوامع محلی و

بومی، برای تحقق استفاده‌ی پایدار از منابع زیستی و بازگرداندن تعادل به آن‌ها گریزناپذیر به نظر می‌رسد. در این مسیر تثبیت فیزیکی دانش‌های سنتی که یکی از خصوصیات اصلی آن‌ها شفاهی بودن است اصلی‌ترین مرحله از تلاش‌های عملی برای حفظ و حمایت از چنین دانش‌هایی است (پناهی، ۱۳۸۱: ۷۱).

از طرفی ثبت دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی، جدا از کمک به ایجاد بایگانی‌هایی از آن‌ها، کمک بسیار ارزشمندی به پژوهشگران و مصلحان توسعه و مجریان برنامه‌های مرتبط با جوامع محلی و بومی است که آن‌ها را قادر می‌سازد با دید بهتر و روشنتری به هدف‌گذاری و اجرای برنامه‌های خود بپردازند.

چارچوب تحقیق

در یک گروه انسانی، سیستم‌های اجتماعی و طبیعی دارای اثرهای متقابل می‌باشد. مؤلفه‌های اصلی یک سیستم اجتماعی شامل انسان‌ها، دانش و تکنولوژی، اعتقادات، معاش و آداب و رسوم آن‌هاست. مؤلفه‌های اصلی سیستم طبیعی شامل خاک، آب، اقلیم، درختان، غلات و غیره است. مردم برای بقای خود وابسته به اکوسیستم هستند. اکوسیستم توسط آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ آن‌ها مناطق مناسب را به کشت گیاهان اهلی اختصاص می‌دهند؛ از جنگل میوه، چوب، گیاهان خوردنی، چراگاه دام‌ها، شکار، قارچ و... به دست می‌آورند و در همین زمان کار، انرژی، ابزار و اشیای آن‌ها وارد اکوسیستم می‌شود. مردم محلی از بسیاری محصولات جنگلی استفاده می‌نمایند. آن‌ها می‌دانند کدام گیاهان جنگلی قابلیت خوردن دارد و کدام گیاه برای درمان بیماری مشخصی قابل استفاده است. آن‌ها می‌دانند کجا و چه وقت این گیاهان را جمع کنند و با توجه به زمان وقوع پدیده‌های مختلف، فصل‌ها را تشخیص دهند و فعالیت‌های خود را بر اساس آن‌ها تنظیم کنند. این دانش بومی از نسلی به نسل دیگر به ارث رسیده و مردم را قادر به زندگی در محیط کرده است (Chen Bo et al, 2003: 27). دانش بومی بخشی از سرمایه‌ی ملی هر قوم است که باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، ابزار و آگاهی‌های

محلی آنان را در بر می‌گیرد. این همان دانشی است که اقوام گوناگون به وسیله‌ی آن در طی قرون، روزی خود را از محیط‌شان جسته‌اند، پوشاکشان را تهیه کرده‌اند، و خود را در سرپناهی اسکان داده‌اند، فرزندان خود را تربیت کرده‌اند، جامعه‌ی خود را سامان داده‌اند، و سلامت خود و احشام‌شان را حفظ کرده‌اند. دانش محلی، بومیان را قادر به تامین نیازمندی‌های خود از منابع طبیعی کرده است بدون این که این منابع را تحلیل ببرد (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۹۹). پیشینه‌ی اطلاع از خواص دارویی و خوراکی گیاهان به پیش از پیدایش کشاورزی باز می‌گردد. این دانش مربوط به زمانی است که انسان هنوز به شکار می‌پرداخت و مواد غذایی خود را از محیط اطرافش فراهم می‌ساخت و در جنگل‌ها و مراتع زندگی می‌کرد. درختان و جنگل‌ها منشأ عمده‌ی غذا، سرپناه، دارو و سایر ملزومات انسان‌های اولیه بود و سیر تکامل جوامع بومی همساز با طبیعت ادامه یافته است (عمادی و عباسی، ۱۳۸۳: ۱۶). عناصر گیاهی یکی از مشخصه‌ها و مؤلفه‌های ضروری برای شکل‌گیری معیشت مبتنی بر اکوسیستم است^(۱) آشنایی با خواص مختلف و متفاوت گیاهان برای مصارف مختلف خوراکی و دارویی نشان دهنده‌ی دانش و آگاهی یک قوم از محیط طبیعی‌شان و همزیستی با آن است. تداخل عناصر طبیعی و انسانی یک اکوسیستم باعث شکل‌گیری نوعی معیشت آدمی می‌شود که وابسته به اکوسیستم است. در این حالت انسان‌ها بسیاری از نیازهای خود را از اکوسیستم تأمین می‌نمایند. اما اکوسیستم از نظر آن‌ها خان یغما نیست، بلکه بستری است تا نیازهای خود را در طول سالیان دراز و به صورت مستمر تأمین نماید. دانش‌های سنتی زابیده‌ی تفکرات و تجارب مردمانی است که در قلمروی اکوسیستم‌های تأمین‌کننده‌ی معاش آن‌ها زندگی می‌کنند، به گونه‌ای که دانش‌های سنتی مرتبط با جنگل را باید مسند و نشان مردم اکوسیستمی به حساب آورد که در

۱- مردم اکوسیستم منابع را از عرصه‌ای محدود در اطراف خود تأمین می‌نمایند و به نیروی عضلانی خود و دام‌هایشان وابسته هستند، در حالی که مردم بیوسفر منابع را از سراسر دنیا و به وسیله‌ی سایر منابع انرژی تأمین می‌نمایند (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۵).

ارتباط تنگاتنگ با چشم‌اندازهای خاص جنگلی بوده و در طی زمان بسیاری چیزها آخته‌اند.

در نظام دانش بومی مبتنی بر اکوسیستم‌های جنگلی که از دل جنگل‌های زنده برخاسته است، درخت صرفاً مترادف با چوب نیست، بلکه موجودی چندمنظوره است که با شکل‌ها و ویژگی‌های مختلف پدیدار می‌شود. دانش جامع‌نگر گیاه‌شناسی بومی برخاسته از این دیدگاه و جهان بینی است. این دانش انباشته شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است (همان منبع) به طوری که در طول زمان بنابر وظایف مختلفی که بر عهده‌ی طبقات مختلف اجتماعی قرار گرفته است دانش آن‌ها نیز از دیگران متمایز شده است به نحوی که دانش زنان روستایی متفاوت از مردان و دانش مردان متفاوت از جوانان است (Nathaniel-Imeh, 2002: 21 ; Shilington, 2002: 21 ; Adebobola).

روش تحقیق

این مقاله بخشی از تحقیقی بزرگ‌تر با عنوان «بررسی دانش روستاییان جنگل‌نشین در مورد منابع طبیعی» است. برای مطالعه‌ی مورد نظر از روش تحقیق مردم‌نگاری (ethnographic) استفاده شد که در مجموعه‌ی روش‌های تحقیق کیفی و مردم‌شناسانه قرار دارد (سیلورمن، ۱۳۸۱: ۱۳۲). اگر بپذیریم که هر مجموعه‌ی اجتماعی، فرهنگی به صورتی سازمان یافته است که درون آن عناصر گوناگون با هم رابطه‌ی متقابل و نسبت به هم نقش تعیین کننده و تعیین شونده دارند، بنابراین مردم‌نگاری می‌تواند روابط متقابل و پیچیده‌ی پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نسبت به هم شناسایی نماید. لازمه‌ی این گونه تحقیقات، حضور پیوسته و طولانی مدت در عرصه‌ی تحقیق برای شناسایی تمامی جنبه‌های پدیده‌ی مورد مطالعه است. (طیبی، ۱۳۸۰: ۹۸ و ۹۹). از ابزارهای مناسب برای تحقیقات میدانی و از جمله مردم‌نگاری، مشاهده‌ی مشارکتی است (رفیع‌پور، ۱۳۸۲: ۸۵). در این شیوه، پژوهشگر به عضوی از جامعه

بدل می‌شود و با جلب اعتماد مردم و صرف زمان زیاد در میدان به ثبت وقایع می‌پردازد (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲). برای رسیدن به این هدف، پس از شناسایی روستای مورد مطالعه و انجام دادن اقدامات مقدماتی از اواخر فروردین ۱۳۸۴ اقدام به اسکان در محل مطالعه شد. بدین ترتیب، ضمن آشنایی با مردم و یافتن افراد کلیدی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و ساختار نیافته، اطلاعات مناسبی از شیوه‌ی معیشت مردم و دانش‌ها و فن‌آوری‌های آن‌ها در زمینه‌های مرتبط با منابع طبیعی اطراف آن‌ها از جمله فصل جمع‌آوری، شیوه‌ی برداشت، نحوه‌ی فرآوری و استفاده از محصولات غیر چوبی جنگل حاصل آمد. در طی این مدت و ضمن آشنایی با گروه‌های جمع‌آوری‌کننده‌ی محصولات، اقدام به همراهی و مشارکت با آن‌ها در زمان‌های جمع‌آوری محصولات غیرچوبی شد. این گونه مشاهده‌ی، مشارکت و همراهی در مراحل بعدی برای فرآوری برخی محصولات و انواع استفاده‌ها از آن ادامه یافت تا اطلاعات کامل‌تری حاصل آید. در عین حال، این شیوه‌ی تحقیق کمکی برای جلب اعتماد جامعه‌ی مورد پژوهش و دقت نظر بیشتر محقق و تطبیق نتایج مصاحبه‌های انجام‌گرفته در میدان عمل و ثبت نتایج بود. در همه حال، سعی بر آن بود که ثبت یافته‌های حاصل، پس از فراغت از فعالیت روزانه و در هنگام استراحت انجام شود، به گونه‌ای که یافته‌های حاصل غالباً در شب و هنگام استراحت یا حداکثر در مواقع خاص تا دو روز بعد یادداشت می‌گردید. سپس در مراحل بعدی و با پیشرفت جریان تحقیق، اقدام به دسته‌بندی اولیه‌ی داده‌ها شد تا با جست‌وجوی بیشتر، اطلاعات ناقص تکمیل شود. اسکان پیوسته در محل تحقیق تا تیرماه ادامه یافت، چراکه بسیاری اعمال مرتبط با جمع‌آوری محصولات در طول این مدت انجام می‌شد. سپس، با وجود اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های قبل، در مورد جمع‌آوری و استفاده از برخی محصولات دیگر در زمان‌های دیگر و به صورت منقطع، اقدام به اسکان‌های چند روزه در محل تحقیق و تکمیل اطلاعات به شیوه‌ی مذکور شد و در کل، تا اواخر آذرماه ۱۳۸۴ حدود ۷۴ روز زمان - و ۸ بار رفت و آمد - مراجعت مختلف برای جمع‌آوری و

ثبت دانش روستاییان صرف گردید.

جامعه‌ی مورد مطالعه

جامعه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق اهالی روستای چیتن هستند. روستای مذکور، روستایی بیلاقی و کوهستانی در فاصله‌ی حدود بیست کیلومتری غرب شهر کجور و در میان کوه‌های البرز مرکزی شمالی واقع است. روستای چیتن از لحاظ تقسیمات سیاسی کشوری یکی از روستاهای بخش کجور، شهرستان نوشهر و استان مازندران است. راه آمد و شده به روستای مذکور ۱۴ کیلومتر جاده‌ی خاکی است که به جاده‌ی آسفالت دو آب - کجور متصل می‌شود. چیتن در ارتفاع ۱۶۰۰ متری از سطح دریا واقع است و دارای حدود ۱۸۰ خانوار ساکن دائمی و ۷۹۶ نفر جمعیت ساکن در تمام طول سال است که تعداد خانوارهای آن در فصل تابستان به بیش از ۲۲۰ و جمعیت آن به حدود ۱۰۰۰ نفر بالغ می‌شود. این روستا کاملاً جنگلی است که در محدوده‌ی جنگل‌های بالابند خزری واقع است. غنای گیاهی در منطقه‌ی مورد مطالعه همانند سایر مناطق جنگل‌های شمال ایران بسیار بالاست و از درختان عمده‌ی آن می‌توان راش، بلوط، مرز، افرا، شیردار، کرب، کچف، نمدار، گردو، ملج، اوجا، ولیک، سیب جنگلی، آلوچه‌ی جنگلی، گلابی جنگلی، بارانک، ازگیل، ال، لور، اوری، تیس، پلاخور، کوشوارک و نسترن‌های وحشی را نام برد. از گیاهان علفی یکساله و چندساله در محدوده‌ی روستا می‌توان از انواع گندمیان، انواع یونجه‌ها و شبدرهای وحشی، کوکنار، الکیل کوهی، گزنه، پونه‌ی وحشی، نعنا، علف چشمه، مامیران، بومادران، گل گاوزبان، بنفشه، پامچال، گل حسرت، توت فرنگی وحشی، بارهنگ، پلم، گلپر، ترشک و نیلوفر وحشی را نام برد.

در حال حاضر بسیاری از روستاهای منطقه‌ی کجور در فصول سرد سال از جمعیت خالی می‌شود یا تعداد کمی جمعیت در آن‌ها می‌ماند که آن‌ها هم عموماً افراد پیر و کهنسال روستا یا چوپانان هستند (نورزاد، ۱۳۸۴). تنها تعداد کمی از روستاها جمعیت

تابستان خود را در سایر فصول حفظ می‌کند که چیتن یکی از این روستاهاست. در این روستا به دلیل کوهستانی بودن منطقه و کمبود زمین‌های کشاورزی هموار و همچنین مسائل سال‌های اخیر، کشاورزی دیم تقریباً وجود ندارد.

در زمین‌های کشاورزی آبی روستا در حد خود مصرفی خانوار، به کشت محصولات کشاورزی همچون سیب‌زمینی، لوبیا، چغندر و سبزیجات اقدام می‌شود. این اعمال بیش‌تر وظیفه‌ی زنان روستاست. شغل اصلی بسیاری مردان روستا چوپانی و دامداری است؛ این عده یا از دام‌های خود نگهداری می‌کنند یا به صورت چوپان صرف در ازای دریافت مزد به نگهداری از دام دیگران در سایر نقاط شهرستان‌های نوشهر، چالوس و نور می‌پردازند. برخی دیگر از مردان نیز با توجه به فصول سال به صورت کارگر روزمزد در باغ‌های میوه‌ی مرکبات در مناطق جلگه‌ای شمال ایران یا حتی در مناطق دیگر از دماوند تا مهاباد و مراغه به میوه چینی و سایر کارها اقدام می‌نمایند. از طرف دیگر یکی از اشتغالات مردم روستا از بچه‌ها، جوانان افراد مسن و به خصوص زنان، جمع‌آوری محصولات جنگلی برای استفاده در خانوار یا فروش است که مجموعه‌ی شرایط یاد شده، روستای مذکور را برای مطالعه‌ی دانش‌های سنتی روستاییان ساکن در روستاهای ییلاقی شمال ایران در زمینه‌ی منابع طبیعی بسیار مساعد می‌سازد. البته دانش‌ها و فن‌آوری‌های روستاییان درباره‌ی جنگل و محصولات جنگلی بسیار متنوع‌تر است و شامل انواع استفاده‌های مختلف از محصول اصلی جنگل یا چوب در تهیه‌ی بسیاری ابزار و ادوات مورد نیاز جوامع روستایی و صنایع دستی، استفاده از هیزم و زغال درختان جنگلی، استفاده‌های متفاوت از عرصه‌ی جنگل به عنوان چراگاه دام و مسائل متنوعی که طبیعتاً از شیوه‌های سنتی دامداری در جنگل پدید می‌آید، شیوه‌های متفاوت تهیه و فرآوری محصولات دامی و شکار حیوانات جنگلی می‌شود؛ اما در این نوشته، تنها محصولات غیرچوبی قابل رویش در جنگل که قابلیت مبادله و خرید و فروش در بازار را دارد مورد بحث قرار گرفته است.

نتایج

برای ایجاد نظم و نسقی در ارایه‌ی نتایج می‌توان محصولات غیر چوبی مورد استفاده‌ی روستاییان را بر اساس هدف اصلی جمع‌آوری به صورت زیر تفکیک و طبقه‌بندی نمود. البته در این طبقه‌بندی ممکن است یک محصول در چند طبقه قرار گیرد.

الف - بهره‌برداری برای استفاده در خانوار: انگیزه‌ی جمع‌آوری محصولات غیرچوبی توسط روستاییان در بسیاری موارد برای استفاده در خانوار است. ارزش اقتصادی جنبه‌ی خود مصرفی این محصولات قابل توجه است، به طوری که به صورت غذای اصلی یا فرعی در بسیاری وعده‌های غذایی و در طب سنتی روستاییان مورد توجه قرار می‌گیرد. این محصولات را می‌توان به صورت استفاده‌های زیر از هم تفکیک نمود:

محصولات غیرچوبی خوراکی:

تعداد زیادی از گونه‌های گیاهی قابل جمع‌آوری به وسیله‌ی روستاییان بنا بر ماهیت فیزیکی آن‌ها، فصل جمع‌آوری و ذائقه‌ی روستاییان، محصولات خوراکی است. این محصولات به دو صورت عمده مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه‌های استفاده با توجه به فصل جمع‌آوری و نیاز روستاییان متفاوت است که در زیر توضیحات بیشتری در مورد آن‌ها ارایه می‌شود.

۱- محصولاتی که به صورت خام مصرف می‌شود: برخی از اعضای گیاهی تعدادی از عناصر رویشی منطقه، همانند گل، میوه، دانه، ساقه و برگ به صورت خام توسط روستاییان مورد استفاده قرار می‌گیرند. بسیاری از میوه‌های جنگلی مورد استفاده‌ی روستاییان همچون بارانک، ازگیل، آلوچه‌ی جنگلی، گلابی وحشی و سیب ترش در این دسته قرار می‌گیرد. به دلیل اهمیت استفاده از این گونه‌های درختی توسط روستاییان، نوعی مدیریت خاص سنتی در مورد درختان میوه‌ی جنگلی اعمال می‌شود. بسیاری از گونه‌های درختی ذکر شده در بالا از نظر سرشت نوری و ظاهر شدن در توالی ظهور درختان جنگلی در یک اکوسیستم، در مراحل اولیه و میانی توالی اکوسیستم قرار دارد، یعنی در ابتدا منطقه‌ای که مثلاً جنگل آن به صورت یک دست قطع شود یا به دلایلی

همانند آتش سوزی از بین برود؛ گونه‌های پیش رو همانند انواع درختان و درختچه‌های خاردار همچون نسترن وحشی، پلاخور، سیاه تلو، ازگیل، ولیک، و آلوچه‌ی جنگلی ظاهر می‌شود و پس از آن‌ها سایر گونه‌های درختی همانند ممرز، راش و بلوط جایگزین می‌شود. سرشت این درختان پیش‌رو به گونه‌ای است که با رشد درختانی همچون راش و بلوط، گونه‌های قبلی به دلایل مختلف از جمله نبود نور کافی و قرار گرفتن در سایه‌ی درختان بزرگ از اکوسیستم حذف می‌شود، اما وجود نیازهای مختلف و متنوع روستاییان به چوب، برگ و میوه‌ی درختانی که در مراحل اولیه و میانی توالی قرار می‌گیرد آن‌ها را وادار به دخالت در اکوسیستم می‌نماید؛ این دخالت یک مدیریت طولانی مدت در اکوسیستم است. به این صورت که آن‌ها با سالیان طولانی استفاده و همزیستی اکوسیستم، روند توالی در نقاط خاصی از اکوسیستم را به جهت خاصی هدایت می‌کنند تا درختان مورد نظر آن‌ها باقی بماند و سایر درختان بر آن‌ها چیره نشود. این درختان در حالت کم‌یابی به ندرت به صورت زنده قطع می‌شود. بلکه روستاییان ترجیح می‌دهند که از سایر محصولات آن‌ها همانند گل و میوه و برگ استفاده نمایند. البته گاهی به دلیل وفور گونه‌هایی همچون آلوچه‌ی جنگلی، ازگیل و ولیک ممکن است چوب آن‌ها برای محصور کردن اطراف زمین‌های کشاورزی، ساخت ابزار چوبی لازم، مورد استفاده‌ی جنگل‌نشینان قرار گیرد. بسیاری از رویش‌های علفی منطقه نیز مانند ساقه‌ی پوست‌کنده‌شده‌ی کلپر و اشنار (ashnar) و ساقه و برگ‌های الیما (elima) و پونه استفاده‌ی خوراکی به صورت خام دارد. مصرف عمده‌ی گیاهان این دسته به صورت سبزیجات خوراکی وحشی است. همچنین میوه‌هایی مانند تمشک و توت فرنگی وحشی در این دسته قرار می‌گیرد.

۲- محصولاتی که به صورت فرآوری شده مصرف می‌شود: بسیاری از گونه‌های گیاهی موجود در محیط جنگل که ارزش غذایی آن‌ها از نظر روستاییان قابل توجه است، به صورت فرآوری شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرآوری شامل پختن، خشک کردن، تهیه‌ی مربا و رب می‌شود. تنوع استفاده از این دسته در رژیم غذایی روستاییان بسیار

مشخص‌تر از گروه قبلی است. در این حالت ممکن است این محصولات به صورت تازه مورد استفاده قرار گیرند. مانند گونه‌های گیاه گزنه، پونه، نعنا، عسا (assa)، سرخ چنگلک (sorchangelak) و شیشاک (shishak). به علاوه ممکن است این گونه‌های گیاه به صورت خشک شده هم در سایر ایام سال به جز فصل رویش مورد استفاده قرار گیرد، مانند والک، آویشن، منا (manna)، ریش بز، لشک (lashak). نیز ممکن است برخی از گونه‌های گیاه برای تهیه‌ی مربا، ترشی، تنقلات و چاشنی غذا مورد استفاده قرار گیرد، همانند میوه‌های تمشک، توت فرنگی وحشی، زرشک، آلوچه‌ی جنگلی، سیب ترش، گلابی وحشی و شقاقل که برای تهیه‌ی مربا، ترشی، رب و لواشک و گل‌های گون برای تهیه‌ی مربا، بذر گلپر به عنوان چاشنی غذا و بذر شاهدانه به عنوان تنقلات مصرف می‌شود. البته استفاده‌های دیگری نیز از این محصولات صورت می‌گیرد که در واقع استفاده به عنوان مواد نگهدارنده و طعم دهنده است؛ مثلاً از ترکیب انواعی از پونه و نعنا با سایر فرآورده‌ها برای نگهداری بعضی مواد غذایی همانند گوشت تازه استفاده می‌شود.

۳- قارچ‌ها: دسته‌ای دیگر از رویش‌های منطقه که مورد استفاده قرار می‌گیرد، قارچ‌های غیرسمی است. روستاییان برای تهیه‌ی چندین نوع غذا از قارچ‌های روئیده شده در جنگل استفاده می‌نمایند. به علاوه، آن‌ها انواع خاصی از قارچ‌های روئیده بر روی تنه‌های در حال پوسیدن درختان را به عنوان مایه برای افزودن به شیر استفاده می‌کنند که از آن‌ها ماست‌هایی با طعم‌های متفاوت حاصل می‌شود. اهمیت این مسئله بیش‌تر در شناسایی خواص متفاوت انواع قارچ‌هاست، مخصوصاً که بسیاری از قارچ‌های جنگلی سمی و خطرناک می‌باشد.

محصولات غیر چوبی دارویی:

گرچه روستاییان اعتقاد دارند که عناصر رویشی محیط آن‌ها دارای ارزش‌های غذایی و دارویی به صورت توأم است، اما گیاهانی نیز وجود دارد که تنها به صرف دارا

بودن ارزش‌های دارویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزش درمانی این گیاهان برای معالجه‌ی بیماری‌های انسان و دام‌های اهلی در طول سالیان طولانی و بر اثر انتقال تجربیات در طی نسل‌های انسانی به اثبات رسیده است. چنان‌که دم‌کرده‌ی گلبرگ‌های تر یا خشک شده‌ی گیاه کونکار برای معالجه‌ی انواع دردهای استخوان و ناراحتی‌های ناشی از کوفتگی ماهیچه‌ها و برای درمان بسیاری امراض داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که شیرهی گیاه برای درمان بسیاری امراض دیگر و دانه‌های گیاه مانند تنقالات مورد استفاده قرار می‌گیرد. انواع دیگر گیاهان با اهمیت دارویی شامل حسلک (haslak)، ترم (terem)، سوداواش (sudāvāsh)، کاسنی، ختمی، بارهنگ، آویشن، بنفشه، بومادران، براکنه‌های نم‌دار و گل و میوه‌ی ولیک است. از این گیاهان برای معالجه‌ی سرما خوردگی، امراض خونی و قلبی، ناراحتی‌های داخلی کلیه و کبد، درمان عفونت‌ها و ترمیم زخم‌ها استفاده می‌شود. قسمت‌های قابل استفاده‌ی این دسته از گیاهان شامل ساقه، برگ، گل، دانه و ریشه است که در اغلب موارد به صورت جوشانده و در ترکیب با همدیگر مصرف می‌شود. مانند دم‌کرده‌ی حسلک، ترم، آویشن، ختمی و گل ولیک که برای درمان ناراحتی‌های انسان و دام مورد استفاده قرار می‌گیرد. برگ، گل و ساقه‌ی سوداواش برای ترمیم زخم‌ها و التیام عفونت‌ها مانند پماد مورد استفاده قرار می‌گیرد. یا برگ‌های لور و دم‌کرده‌ی حاصل از ریشه‌ی پلم که برای درمان انگل و عفونت‌های دام مورد استفاده قرار می‌گیرد.

گیاهان زینتی: استفاده‌ی روستاییان از گیاهان این طبقه بسیار کم‌تر از سایر طبقات است. از گیاهان پرمصرف در این طبقه می‌توان از پامچال، نرگسی و بنفشه نام برد که به دلیل بوی مطبوع یا رنگ‌های زیبا و درخشان جمع‌آوری می‌شود.

ب - محصولات غیر چوبی قابل فروش در بازار: برخی رویدنی‌های علفی و درختی مناطق جنگلی با هدف فروش در بازار و تولید درآمد جمع‌آوری می‌شود. این محصولات سهم قابل توجهی در سبد درآمدی بسیاری خانوارهای روستایی، به

خصوص خانوارهای فقیر به خود اختصاص می‌دهد. قسمت عمده‌ی این محصولات توسط مغازه‌دار روستا خریداری می‌شود و سپس به شهر و سایر بازارهای مصرف منتقل می‌گردد. پيله وران دوره گرد نیز در بسیاری موارد به روستا مراجعه و در ازای عرضه‌ی کالاهایی که از شهر با خود می‌آورند، محصولات روستاییان را خریداری می‌کنند. محصولات این طبقه را نیز می‌توان به دو دسته تفکیک کرد:

۱- محصولات خوراکی: میوه، ساقه، برگ، دانه، غده، ریزوم و سایر قسمت‌های گونه‌هایی چون آلوچه‌ی جنگلی، ازگیل، بارانک، گلابی وحشی، تمشک، گزنه، والک و شقاقل در این دسته قرار دارند. میوه‌های این دسته به صورت تازه یا فرآوری شده و گزنه و والک به صورت تازه یا خشک شده و شقاقل به عنوان یک محصول عمده‌ی قابل فروش توسط بسیاری از خانوارهای روستایی جمع‌آوری شده، پس از فرآوری‌های اولیه به بازار عرضه می‌شود.

۲- محصولات دارویی: در این دسته گل، میوه، برگ، ساقه، و فرآورده‌های مشتق از آن‌ها وجود دارد؛ گل برخی گونه‌های درختی و علفی مانند ولیک، ختمی، حسلک و بنفشه، برگ، ساقه و گل گونه‌هایی چون ترم، آویشن، چای پشمک و براکته‌های نمودار را می‌توان نام برد. این محصولات پس از خشک شدن به فروش می‌رسد. در جدول شماره‌ی ۱ خلاصه‌ای از مشخصات این گونه‌های گیاهی ذکر شده است.

طریقه خشک کردن گونه‌هایی که در سایر فصول به فروش می‌رسد نیز بسیار حایز اهمیت است زیرا هوای روستا همانند سایر نقاط کوهستانی شمال کشور در بسیاری روزها بارانی یا ابری و غالباً بسیار مرطوب است؛ بنابراین ممکن است خشک کردن عادی محصولات باعث پوسیدگی و فساد آن‌ها شود؛ در این مورد برای خشک کردن گیاهان چیده شده، از فضای بین سقف شیبدار و سقف مسطح خانه‌ها که آن را بام می‌نامند، استفاده می‌نمایند. عمده‌ی محصولات قابل خشک کردن را در ظروف و صافی‌های چوبی یا فلزی و گاهی روی پارچه‌های پشمی یا کفی قرار داده، در بام خانه‌ها خشک می‌نمایند؛ البته مدت خشک شدن طولانی‌تر از

خشک شدن گیاهان در اقلیم خشک است، اما بام خانه‌ها محل نسبتاً مناسبی به لحاظ محفوظ ماندن از حشرات و حیوانات موذی است. همچنین به دلیل این که فضای زیر سقف مسطح محل زندگی انسان‌هاست، غالباً محیط گرم‌تری از شرایط بیرون دارد و طبیعتاً سقف هم گرم‌تر از محیط‌های عادی است که در خشک ماندن آن‌ها بی‌تأثیر نیست.

به عنوان مثال، از شیوه‌ی جمع‌آوری گونه‌های مذکور و نقش آن‌ها در روابط اجتماعی و اقتصادی مردمان روستایی و نیز نحوه‌ی همزیستی آنها با اکوسیستم، در این جا در مورد جمع‌آوری ترم توسط روستاییان جزئیات بیشتری بیان می‌گردد.

یکی از مواقع اصلی جمع‌آوری بسیاری از رویش‌های گیاهی از جمله ترم اوایل اردیبهشت تا اواخر خرداد است. البته شروع این دوره با توجه به وضعیت اقلیمی سالیانه متغیر است و ممکن است در برخی سال‌ها حتی تا اواخر اردیبهشت نیز به تأخیر بیفتد. بنابراین اطمینان از عدم بارندگی در زمان جمع‌آوری ضروری است که این پیش‌بینی‌ها غالباً از روی تجربیات و دانش روستاییان صورت می‌گیرد؛ در هر حال پس از سنجیدن تمام جوانب کار، گروه جمع‌آوری‌کننده، مرکب از تعدادی زنان خورشاوند و همسایه که از قبل قرار و مدارهای لازم را گذاشته‌اند برای جمع‌آوری گیاهان رهسپار می‌گردند. آن‌ها در ابتدا به مرز فوقانی جنگل در ارتفاعات جنوب روستا می‌روند که در آن امامزاده‌ای به نام ایوار (ivar) وجود دارد. این محل از نظر اسکان حداقل سه گروه جمع‌آوری‌کننده به اندازه‌ی کافی مجهز است و گروه جمع‌آوری‌کننده شب‌ها را ضمن اجرای مراسم خاص زیارت امامزاده، در این سرپناه به استراحت می‌پردازد و روزها به جمع‌آوری گیاهان مورد نظر از جمله ترم اقدام می‌نماید. البته غالباً در این زمان به جز ترم، گونه‌های دیگری همچون ریش بز، منا، لاری، کونکار، آویشن و والک نیز جمع‌آوری می‌شود.

ترم گیاهی است علفی و چندساله که قسمت‌های هوایی آن هر سال از روی ریشه رشد می‌کند و استفاده‌های دارویی بسیار متنوعی دارد. رویشگاه بوته‌های تنک

آن در دامنه‌های آفتابگیر با خاک به رنگ روشن و غالباً کم حاصلخیز رسی در جنگل‌های تنک، مراتع و زمین‌های بایر است. و اکیپ جمع‌آوری‌کننده رویشگاه‌های آن را از چنین نشانه‌هایی شناسایی می‌کند. قسمت‌های هوایی این گیاه با دست چیده می‌شود و در توبره‌ای که برای جمع‌آوری گیاهان در حین حرکت ساخته شده است و فرد جمع‌آوری‌کننده آن را به کمر خود می‌بندد، ذخیره می‌گردد. این گروه پس از جمع‌آوری گیاهان مورد نظر و به اندازه‌ی قابل حمل با توجه به فاصله از روستا و زمان مراجعت، به روستا بر می‌گردند. محصولاتی که در بهار جمع‌آوری می‌شود، از جمله ترم، به منظور استفاده در سایر ایام سال خشک می‌شود. البته غالباً از انواع تازه آن‌ها نیز غذاهایی تهیه می‌شود. شیوه‌ی خشک کردن در قبل به صورت خلاصه ذکر شده است؛ در عین حال، مقداری از محصول به خانواده‌های همسایه و کسانی که توانایی جمع‌آوری محصول ندارند و سایر آشنایان که در شهر زندگی می‌کنند، داده می‌شود. همچنین ترم با قیمت خوبی توسط مغازه‌دارهای روستا یا جمع‌آوری‌کنندگان دوره‌گرد جمع‌آوری می‌شود که غالباً مغازه‌دار روستا برای بازپس دادن حساب خریدهایی که از قبل انجام داده‌اند، در اولویت است. بدین ترتیب، درآمد حاصله از آن مکمل درآمد خانواده است. به طور کلی در غالب خانوارهای روستایی سالیانه تا حدود سه کیلوگرم گیاه خشک شده‌ی ترم برای استفاده در خانوار جمع‌آوری می‌شود و ممکن است یک تا دو برابر همین مقدار نیز به فروش برسد. مصارف ترم بیش‌تر دارویی است و دم‌کرده‌ی آن را برای انواع ناراحتی‌های مزاجی انسان و دام‌های اهلی مورد استفاده قرار می‌دهند. البته برای شناسایی درمان ناراحتی مورد نظر نیز نشانه‌های خاصی برشمرده می‌شود، همچنین استفاده از دم‌کرده‌ی آن را برای تصفیه‌ی خون و سلامت قلب مفید می‌دانند؛ در این حالت ممکن است با گیاهان دیگری همچون بنفشه یا گل گاوزبان نیز مخلوط شود.

جدول شماره‌ی ۱-

ردیف	نام محلی	نام فارسی	محل رویش	زمان جمع‌آوری	انگلیسی	شیردانه استخوان	نوع استخوان	
							خردشیرینی	فرورش
۱	الندری	پارونک	چنگل	مهر - آبان	میره	خام	*	*
۲	کس	ازگیل	چنگل	مهر - آبان	میره	خام، فرآوری رب و دونه‌پاپ	*	*
۳	مل	آرپه‌ی چنگلی	چنگل، اطراف زمین‌های کشاورزی	خرداد - مهر	میره	خام، فرآوری رب، برش، اراینگ	*	*
۴	ممنک	گلایه چنگلی	چنگل	مهر - آبان	میره	خام، فرآوری اراینگ	*	*
۵	تل سیف	سبب چنگلی	چنگل	تیر - آبان	میره	خام، فرآوری برش	*	*
۶	هلرگ	کلر	چنگل، اطراف زمین‌های کشاورزی و سواها	اردیبهشت - مرداد	ساقه، پدز	تاز، خام، خشک شده، پاشنی فقا	*	*
۷	لشار	-	چنگل	اردیبهشت - خرداد	ساقه و گل	تاز، خام	*	*
۸	لیسا	-	چنگل	اسفند - فروردین	ساقه و برگ	تاز، خام	*	*
۹	منسک	منسک	چنگل، مکان‌های مرطوب، کنار راه‌ها	خرداد - مرداد	میره	تاز، و خشک شده، خام، سبزی، فقا	*	*
۱۰	قره فالک	توت‌فرنگی، چنگلی	چنگل	تیر - شهریور	میره	خام، فرآوری مریا	*	*
۱۱	گونا	گزنه	چنگل، زمین‌های پابز کشاورزی و محل‌های مرطوب	فروردین - مرداد	ساقه و برگ	تاز، و خشک شده، فقا	*	*
۱۲	پتیک	پونه	چنگل، اطراف زمین‌های کشاورزی	فروردین - تیر	ساقه و برگ	تاز، و خشک شده، سبزی، فقا	*	*
۱۳	عسا	ترسک	چنگل، اطراف زمین‌های کشاورزی و سواها	فروردین - مهر	ساقه و برگ	تاز، و خشک شده، فقا	*	*
۱۴	سرخ چنگلک	-	چنگل، اطراف زمین‌های کشاورزی	اردیبهشت - خرداد	ساقه، برگ و میوه	تاز، و خشک شده، فقا	*	*
۱۵	شیشک	-	چنگل، سرخ و اطراف زمین‌های کشاورزی	اردیبهشت - مرداد	ساقه	تاز، و خشک شده، فقا	*	*

ردیف	نام محل	نام ناسی	محل رویش	زمان جمع‌آوری	اندامی مورد استفاده	نوع استفاده	
						شیرینی استفاده	غذای مصرفی فروش
۱۶	زلفین	ولک	چنگل، مرغ	خرداد - تیر	برگ، ساق، سبغ	نازه و خشک شده، غذا	• •
۱۷	آبم	آریش	چنگل، مرغ، زمین‌های باير	اردیبهشت - مرداد	گل، برگ	نازه و خشک شده، چاقوس، داروس	• •
۱۸	ما	-	چنگل، مرغ	اردیبهشت - مرداد	برگ، ساق	نازه و خشک شده، غذا	•
۱۹	ریش بر	-	مرغ	اردیبهشت - تیر	برگ، ساق	نازه و خشک شده، غذا	•
۲۰	لنگ	حلق چمنه	داخل آب چمنه‌ها	تمام ايام سال	برگ، ساق	نازه و خشک شده، سبزی چاقوس، غذا	•
۲۱	زرنک	زرنک	چنگل، مرغ	فروردین، شهریور، آبان	میوه، برگ	نازه و خشک شده، غذا، ترش	•
۲۲	شامل	شامل	چنگل	فروردین - آبان	رودوم	قرآری، میا	•
۲۳	گون	گون	مرغ، چنگل	اردیبهشت - خرداد	گل	قرآری، میا	•
۲۴	کنف	شاهانه	زمین‌های باير	شهریور - مهر	بذر	خشک شده، تنطلات	•
۲۵	مدری گوش	قارچ (ما)	چنگل، مرغ	فروردین - آذر	قسمت هوایس	قرآری، غذا، ماهی پوست	•
۲۶	کوکار	کوکار	چنگل	خرداد - مرداد	گل، بذر، شیره	نازه و خشک شده، داروس، تنطلات	•
۲۷	سحلق	گل کارزبان	مرغ، زمین‌های باير، چنگل	خرداد - تیر	گل	خشک شده، داروس	•
۲۸	ترم	اکلیل کوهی	چنگل، مرغ، زمین‌های باير	اردیبهشت - مرداد	برگ، ساق	خشک شده، داروس	•
۲۹	سوزاوانس	ماحیان	زمین‌های باير	خرداد - تیر	برگ، ساق، گل	خشک شده، داروس	•
۳۰	کاسیک	کاسی	زمین‌های باير، مرغ، چنگل	اردیبهشت - مرداد	گل، ساق	خشک شده، داروس	•

ادامه جدول شماره‌ی ۱ -

ردیف	نام محلی	نام فارسی	محل رویش	زمان جمع‌آوری	امراضی مورد استفاده	شیرودی استفاده	نوع استفاده	
							خودمصرفی	فروش
۳۱	گل قدین	عشقی	زمین‌های بایر و کنارروزی، مرتع، جنگل	خرداد - مرداد	گل	خشک شده، دارویی	*	*
۳۲	زینج	پارمک	جنگل، زمین‌های کشاورزی و بایر	خرداد - مرداد	برگ - ساقه	خشک شده، دارویی	*	*
۳۳	دونه	پنبشه	جنگل	اسفند - فروردین	گل	تازه و خشک شده، دارویی، زینتی	*	*
۳۴	نمدار	نمدار	جنگل	اردیبهشت	برگ‌های میوه	خشک شده، دارویی	*	*
۳۵	ولیک	ولیک	جنگل	اردیبهشت، مهر - آبان	گل، میوه	تازه و خشک شده، دارویی، میوه	*	*
۳۶	پلم	پلم	جنگل، زمین‌های بایر	شهرورد - مهر	ریشه	خشک شده، دارویی	*	*
۳۷	علاه	پامچال	جنگل، مرتع	فروردین - اردیبهشت	گل	زینتی	*	*
۳۸	لاری	-	مرتع	اردیبهشت - خرداد	گل - ساقه، برگ	خشک شده، دارویی	*	*
۳۹	پرسپاشان	پرسپاش	جنگل	اردیبهشت - مهر	ساقه، برگ	خشک شده، دارویی	*	*
۴۰	کریک	-	جنگل	اردیبهشت - خرداد	ساقه، برگ	تازه و خشک شده، غذا	*	*
۴۱	ارومی	-	جنگل	اردیبهشت - مرداد	ساقه، برگ	تازه و خشک شده، غذا	*	*
۴۲	عاکسیر	عاکسیر	جنگل، زمین‌های بایر و کنارروزی، مرتع	خرداد - مرداد	میوه	خشک شده، دارویی	*	*
۴۳	انگسیم	-	جنگل، مرتع	اردیبهشت - خرداد	ساقه، برگ	خشک شده، غذا، دارویی	*	*
۴۴	زرگی	-	جنگل، مرتع	اردیبهشت - خرداد	گل	زینتی	*	*

بحث

دانش روستاییان از خواص متنوع، متفاوت و مفید بسیاری گونه‌های گیاهی موجود در محیط جنگل به همراه اطلاع از محل و فصل رویش، شیوه‌های مختلف جمع‌آوری، فرآوری و استفاده از گونه‌ها به آن‌ها امکان می‌دهد که قسمتی از احتیاجات مالی و غذایی خود را از این طریق تأمین نمایند. همان‌گونه که در قسمت‌های قبل آمد، بسیاری از گونه‌های قابل رویش در محیط آن‌ها در بیش‌تر از یک نوع مصرف خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، برای بسیاری از عناصر گیاهی طیفی از استفاده‌های انسانی وجود دارد، چنان‌که ممکن است یک گونه دارای ارزش‌های خوراکی، دارویی و زینتی باشد. در عین حال، با هدف خودمصرفی و فروش در بازار جمع‌آوری شود. روستاییان بسیاری از این گونه‌ها را به کمک هم و به صورت دسته جمعی در گروه‌های چند نفره جمع‌آوری می‌نمایند. سازمان یاریگری در این مورد به صورت خودیاری مرکب است؛ یعنی، شمار یاری‌دهندگان بیش از یک نفر است و در عین حال یاری‌دهنده و یاری‌گیرنده از هم قابل تشخیص نیستند و برگشت یاری به صورت همزمان است. (فرهادی، ۱۳۷۳). به این صورت که برای جمع‌آوری بسیاری از این محصولات همچون والک، آویشن، شقاقل، کوکنار، منا، لشک، تمشک، زرشک، گل و لیک و میوه‌هایی چون آلوچه‌ی جنگلی، ازگیل، بارانک، سیب ترش و گلابی وحشی گروه‌هایی غالباً بین ۴ تا ۱۰ نفر از زنان خویشاوند و همسایه جمع می‌شوند و در معیت هم به رویشگاه‌های مورد نظر رفته، به جمع‌آوری محصول می‌پردازند. اما هر فرد برای خود محصول جمع می‌کند. هر بار جمع‌آوری محصول که ممکن است چیدن گل و میوه از درخت یا سطح زمین یا کندن محصول با قسمت‌هایی زیر زمینی باشد، بین یک تا دو روز طول می‌کشد. هنگامی‌که لازم است برای جمع‌آوری برخی محصولات به مناطق دور از روستا بروند، معمولاً یکی از مردان نیز با آن‌ها همراه می‌شود، اما کارهای یک روزه معمولاً تنها به وسیله‌ی زنان انجام می‌شود. هر فرد در هر وعده می‌تواند ۱۰ تا ۳۰ کیلوگرم محصول تازه را همراه خود به روستا منتقل می‌نماید. در بسیاری موارد نیز

بیش‌تر از یک گونه‌ی گیاهی جمع‌آوری می‌شود. در مورد برخی گونه‌های دیگر همچون عس، گزنه، شیشاک، کلپر و برخی میوه‌ها مانند ازگیل و زالزالک که در فاصله‌ی نزدیک روستا نیز وجود دارند ممکن است جمع‌آوری در گروه‌های کوچک‌تر یا خانوادگی صورت گیرد. این طریقه‌ی جمع‌آوری به روستاییان امکان همفکری و همراهی می‌دهد و آن‌ها را قادر می‌سازد که حتی تا مسافت‌های دور از محل سکونت خود فاصله بگیرند و محصول جمع‌آوری‌شده را با دوش به روستا منتقل نمایند.

نقش زنان در جمع‌آوری محصولات غیر چوبی بسیار حایز اهمیت و در بسیاری موارد پررنگ‌تر از نقش مردان است. این مسئله نه تنها در مورد گونه‌هایی که با هدف استفاده‌ی خوراکی و دارویی در خانوار جمع‌آوری می‌شوند، بلکه در خصوص محصولات قابل فروش در بازار نیز دارای اهمیت بسیار است.

در حال حاضر، جمع‌آوری و فروش شفاقل، گل ولیک، پونه، گزنه و آلوچه‌ی جنگلی یکی از راه‌های امرار معاش روستاییان چیتن به شمار می‌رود، گرچه اهمیت اقتصادی محصولاتی که در خانوار مصرف می‌شوند نیز بسیار زیاد است.

طیف محصولات گیاهی خوراکی و دارویی مورد استفاده‌ی روستاییان چیتن وسیع‌تر از انواع گیاهان قابل فروش در بازار است. زیرا برای برخی گیاهان در بازار تقاضایی وجود ندارد، یا قیمت‌هایی که برای خرید محصولات به روستاییان پیشنهاد می‌شود، بسیار پایین است. در حالی که ممکن است همان محصولات در بازار شهرها با قیمت‌های بالایی به فروش برسد.

مجموعه‌ی استفاده‌های ذکر شده که تنها گوشه‌ای از دانش روستاییان جنگل‌نشین است، آن‌ها را قادر به ادامه‌ی زندگی در محیط جنگل می‌نماید. توجه به این نکته که در کنار تنها تولید اصلی جنگل‌های شمال، - چوب - طیف وسیعی از تولیدات غیر چوبی وجود دارد که به وسیله‌ی روستاییان جنگل‌نشین مورد استفاده قرار می‌گیرد، دارای اهمیت بسیاری است. اما در حال حاضر محدوده‌ی وسیعی از این جنگل‌ها تنها برای تولید چوب مدیریت می‌شود که منجر به تمرکز عملیات جنگلداری روی درختانی از

گونه‌های خاص و چشم‌پوشی از جامعه‌ی انسانی همزیست با این جنگل‌ها و بسیاری مزایا و منافع غیر چوبی جنگل و حوزه‌ی آبخیز گردیده است. این مسئله منجر به نادیده گرفته شدن گونه‌های گیاهی و جانوری در هر کدام از جنبه‌های حفاظت و بهره‌برداری است (Menzies and Butler, 2002). در حالی که شیوه‌های بومی استفاده از منابع جنگلی، الگویی مناسب برای مدیریت پایدار منابع طبیعی خواهد بود. ضمن آن که کم توجهی به جوامع جنگل‌نشین و احتیاجات آن‌ها باعث بروز تنش بین جوامع محلی و نهادهای متولی اداره‌ی جنگل‌ها می‌شود. به علاوه، نبود معیاری درباره‌ی شیوه‌ی جمع‌آوری محصولات غیرچوبی باعث کم‌رنگ شدن همزیستی مسالمت‌آمیز و مستمر روستاییان با منابع طبیعی محیط آن‌ها می‌شود و ممکن است در بلندمدت باعث بروز خساراتی گردد. روستاییان محصولات خود را بر اساس شیوه‌ی کاملاً سنتی، فرآوری و استفاده می‌نمایند. نبود اطلاعاتی در مورد بهترین زمان گردآوری گونه‌ها، مواد مؤثر در آن‌ها، و استفاده‌های بالقوه‌ی آن‌ها و نبود مراکزی برای حمایت از تولیدکنندگان در فروش محصولات‌شان باعث می‌شود سود اصلی حاصل از این محصولات به دست تولیدکنندگان نرسد و آن‌ها محصولات را با قیمت بسیار کم‌تری به دلان بفروشند. با توجه به اینکه ارزش‌های اقتصادی بسیاری از این محصولات به خصوص در مورد خانوارهای فقیر و تأمین معیشت و غذای آن‌ها و تنوع در منابع کسب درآمدهای مالی و اقتصادی خانوارهای روستایی دارای اهمیت بسیار است لازم است تا حمایت‌های مادی و معنوی لازم از این فعالیت‌ها توسط ارگان‌های ذیربط صورت گیرد.

سپاسگزاری

لازم است مراتب تشکر و قدردانی خود را از تمام اهالی روستای چیتن به خصوص خانواده‌ی آقایان جلیل سینکایی و کیومرث سینکایی که مراحل مختلف این تحقیق بدون همکاری و همراهی آنان ممکن نبود، اعلام نمایم.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ علیرضا دربان آستانه. روش‌های کاربردی تحقیق. تهران: کیهان، ۱۳۸۲.
- بی. مک مانوس؛ فرد ام. وایت کولینز. جنگلداری مقدماتی. ترجمه‌ی سید محمد حسینی. بابلسر: دانشگاه مازندران، ۱۳۸۴.
- پناهی، مصطفی. تنوع زیستی و دانش سنتی. تهران: روناس، ۱۳۸۱.
- رجامند، محمدعلی. مطالعات اکولوژیک و جنگل‌شناسی در مورد درخت سفیدکروکو در شیب شمالی سلسله جبال البرز. پایان‌نامه‌ی دکتری در رشته‌ی جنگلداری، ۱۳۷۹.
- رفیع پور، فرامرز. تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: انتشار، ۱۳۸۲.
- روح‌الامینی، محمود. گرد شهر با چراغ در مبانی انسان‌شناسی. تهران: عطار، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲.
- سیلورمن، دیوید. روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: تیان، ۱۳۸۱.
- شامخی، تقی. «چرا توان اکولوژیک جنگل‌های شمال کشور مورد استفاده‌ی صنایع قرار نمی‌گیرد». مجله‌ی منابع طبیعی ایران، شماره‌ی ۴۶، ۱۳۷۲.
- طیبی، حشمت‌الله. مبانی جامعه‌شناسی ایلات و عشایر. تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
- عمادی، محمدحسین؛ اسفندیار، عباسی. کاربرد دانش بومی در توسعه‌ی پایدار. سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره‌ی ۳۳، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۸.
- عمادی، محمدحسین؛ اسفندیار، عباسی. دانش بومی و توسعه‌ی پایدار: چاره‌ها

- و چالش‌ها. سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره‌ی ۵۴، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۸۳.
- عوافی همت، محمد. روش تحقیق در علوم اجتماعی مناسب برای دانشجویان دانشکده‌های منابع طبیعی. سمینار کارشناسی ارشد دانشکده‌ی منابع طبیعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- کوشه، پیر. بررسی و پرورش جنگل. ترجمه‌ی نویده بیرنگ، عزیز جوانشیر و یوسف مجتهدی. تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۷۱.
- فرهادی، مرتضی. فرهنگ یاریگری در ایران. جلد اول، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- فرهادی، مرتضی. «واره نوعی تعاونی کهن و زنانه در ایران»، درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی در ایران. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهادکشاورزی، ۱۳۸۰.
- مظفریان، ولی‌الله. فرهنگ نام‌های گیاهان ایران. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳.
- نورزاد مقدم، محسن. بررسی رابطه‌ی جنگل خیرودکنار با روستاهای بالادست برکن کلیک و کهنه ده. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد گروه جنگلداری دانشکده‌ی منابع طبیعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- Chen Bo; Hung He; and Zhu Heshung. "Indigenous Knowledge Of Forest Management" *Northwest Yunnan*, 2003.
- Menzies, Charles R. and Carolin Butler. *Methodological Review and Approaches For Local/Traditional Knowledge Research*, 2002.
- Nathaniel-Imeh Adebobola. "Indigenous Knowledge of Rural Women in Sustainable Ecology", *Agricultural Productivity and Environmental Conservation in Southwestern Nigeria*.

- Shilington, Lora J. *Non Timber Forest Product, Gender and Household in Nicaragua, a Commodity Chain Analysis*. Thesis Submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State, 2002.